

مقدمه دکتر علی اکبر سرفراز

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نیکویی نبرند بی گمان رشد و تعالی و بالندگی علمی این سرزمین و پیشرفتهای ناشی از آن مرهون تلاش و خدمات علمی و پژوهشی اندیشمندان و محققان بزرگی است که هر یک به نوعی در سربلندی ایران عزیز نقشی بی بدیل داشته و منشأ خدمات شایانی گردیده‌اند. در همین راستا گروه باستان‌شناسی سازمان «سمت» از آغاز فعالیت تاکنون از تجارب و اندوخته‌های شخصیتها و چهره‌های علمی بهره‌های فراوان برده است. از جمله این فرهیختگان مرحوم علی سامی باستان‌شناس و استاد دانشگاه شیراز می‌باشد که عمده تحقیقات منحصر به فرد و ارزنده وی - به رغم گذشت سالیان متمادی - در بین جامعه علمی خصوصاً باستان‌شناسان کشور از اعتبار فراوانی برخوردار است.

شادروان استاد علی سامی علاوه بر تألیف کتابهای *تمدن ساسانی* و *تمدن هخامنشی*، قریب سی عنوان کتاب در زمینه فرهنگ و تمدن ایران زمین تألیف کرده‌اند. ایشان علاوه بر ویژگی علمی، انسانی خداپاور، با ایمان و اخلاص بودند به طوری که در نوشته‌های وی می‌توان سجایای اخلاقی، انسانی و علمی را به وضوح درک نمود. وی در سال ۱۲۸۹ ه.ش در شیراز در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود و به دلیل هوش سرشار و فطرت علم‌طلبی ذوق و علاقه بی‌شمار به تاریخ و فرهنگ این سرزمین در سال ۱۳۱۰ ه.ش در ابتدا به کسوت آموزگاری تاریخ مدارس شیراز درآمد و در سال ۱۳۱۳ ه.ش به سرپرستی دانش‌سرای مقدماتی فارس منصوب شد. علاقه وی به آموزش و پژوهش موجب شد که از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۰ ه.ش عملاً بر کاوشهای باستان‌شناسی تخت جمشید، پاسارگاد و اتلال باستانی مرودشت نظارت داشته باشند. متعاقب آن سرپرستی تحقیقات علمی تخت جمشید و باستان‌شناسی فارس را برعهده گرفتند و در

طول این مدت ضمن همکاری با هیئتهای حفاری متعدد، با پژوهشگران خارجی بی‌شماری به شناسایی و کاوش آثار باستانی پرداختند که حاصل این تلاشهای مستمر، چاپ کتابها و مقالات متعددی در حوزه تاریخ و باستان‌شناسی ایران زمین است که سازمان «سمت» به دلیل اهمیت این پژوهشها و تحقیقات ارزشمند با هدف دسترسی علاقه‌مندان، با کمترین تغییرات اقدام به انتشار مجموعه‌ای از آنها در چهار مجلد (تمدن ساسانی ۱ و ۲، تمدن هخامنشی ۱ و ۲) نموده است. در پایان ضمن تقدیر و سپاس از همکاریها و مساعدتهای خانواده گرامی آن مرحوم در موافقت با انتشار مجدد این آثار، امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی کشور مورد استفاده سایر پژوهشگران علاقه‌مند به مباحث تاریخ و تمدن ایران قرار گیرد.

دکتر علی‌اکبر سرفراز
مدیر گروه باستان‌شناسی

پروردگارا! مردمان پاکدل و نیک‌بین و فداکاران بی‌ریای این مرز و بوم را یاری بخش تا نابسامانیها و پراکندگیهای زندگی فردی و اجتماعی را سروسورت دهند. جوانان و فرزندان این آب و خاک را چنان ساز که با گفتار و کردار و پندار نیک به وظیفه انسانی خویش رفتار کنند و شایسته فرزندی ایران عزیز باشند. پشتیبان و نگاهدارنده و راهبر جاودانی تو هستی، ما را نیرو بخش تا در آبادانی و سرفرازی میهن ارجمند بکوشیم و این سرزمین کهنسال زیبا را نیرومندتر و سرفرازتر از این به دست آیندگان سپاریم و بتوانیم چون دوران درخشان باستان شکوفه‌های تازه و باروری از فرهنگ و هنر را به جهانیان عرضه داریم.

خدایا! تو خود رؤیای پرشکوه از یاد رفته را تجدید فرما و تا ماه و خورشید پرتوافکن بساط آسمان است خاک میهن عزیز ما چونان که از هزاران سال پیش بوده است، اینک نیز روشنی بخش کره خاکی باشد و مردمانش پیوسته کامیاب و نیرومند و سرفراز و با ایمان باشند.

پروردگارا! در این پسین زندگی، این بنده خطاکار پریشان روزگار ترسناک و پشیمان از نافرمانیها و لغزشها، از روی صفا و پاکی نیت، با کمال عجز و ناتوانی پیشانی نیاز به درگاه بی‌نیاز تو می‌ساید و از مقام کبریایی ات استغاثه دارد که بر او ببخشایی و رحمت آری و عاقبت به خیری عطا فرمایی. از عمر بی‌حاصل از دست رفته جز تقصیر خدمت، شرمندگی، عجز و نیاز و چند برگ سیاه توشه دیگری همراه ندارد، اگر رحمت و عنایت تو شامل نباشد «بس ندامت که از این حاصل ایام برد».

«یکی از بزرگ‌ترین خدمات ایران به تمدن دنیا،
از راه صنعت بوده است. صنعت ایران به قدری
مهم و عظیم است که تاکنون فنا نپذیرفته و روز به
روز بر ترقی و جلوه آن افزوده می‌شود.»

(دکتر ج. کریستی ویلسن
نویسنده تاریخ صنایع ایران)

به جوانان عزیز این مرز و بوم

ساده‌ترین راه شناختن یک قوم دانستن عوامل ترقی و تکامل آن و پیدا کردن
عناصری است که ارکان و پایه‌های آن تمدن را تشکیل داده‌اند. بررسی زبان،
خط و آیین تاریخی یک ملت و غور در چگونگی وضع کشاورزی، اقتصادی،
زندگی اجتماعی، رسوم و عادات، فنون معماری و خانه و کاخ‌سازی و عوامل
دیگری از این قبیل، فرهنگ و تمدن پیشین آن را مجسم و نمودار می‌سازد.

در عصر ما خوشبختانه فن تاریخ‌نویسی در کشورهای پیشرفته از صورت
یکنواخت و ناقص گذشته به صورت جدی‌تر و عمیق‌تر درآمده است.
تاریخ‌نویسی قبلی همه مربوط به سرگذشت پادشاهان و جنگهایشان، پیروزی و
شکستشان و به طور کلی اضمحلال دودمانها، توصیف سردارها و امرا و وزرا بود،
گاهی هم این سرگذشتها آلوده به تملق و گزاف‌گویی بوده و با مقیاسهای
بزرگ‌تری سنجیده شده و نویسنده تاریخ پا را فراتر نهاده است تا آنجا که
هاله‌هایی از افسانه و اغراق به دور آن انداخته و محقق را گمراه و مردد ساخته
است. در ازا به آداب و رسوم، طرز زندگی اجتماعی و چگونگی دانش و هنر
مردمان زمان که اساس تاریخ است یا اصلاً توجه نشده یا به بعضی اشاره‌های

ناقص اکتفا شده است و از همین رو کمتر می‌توان به این‌گونه منابع و اطلاعات که سرگذشت حقیقی ملتی را تشکیل می‌دهد، حتی در مورد سلسله‌های متأخر و نزدیک‌تر دسترسی پیدا کرد و چه بسا اگر نوشته‌های مورخان بیگانه و سیاحان و مسافران یا باقی‌مانده آثار و علائم در دست نبود، این قسمت مهم تاریخ به کلی در تاریکی محض فرو رفته بود.

ما کشوری نوحاسته و تازه به دوران رسیده نیستیم که به چند سطر یا حداکثر چند صفحه از تاریخ گذشته بسنده کنیم، بلکه دورانی بسیار کهن و درخشان را پشت سر گذاشته‌ایم و از راهی بس دور و دراز آمده‌ایم، گنجینه‌های سرشاری از تمدن و فرهنگ، جهان‌ستانی و جهان‌داری، زاد و توشه و اندوخته این رهروی پرپیچ و خم و دشوار را تشکیل می‌دهد. هم‌اکنون صدها تن دانشمند و خاورشناس و پژوهنده در مجامع ایران‌شناسی، انستیتوها، موزه‌ها و دانشکده‌ها سرگرم بررسی و تحقیق درباره دانش، هنر، آیین، خط و زبان کشور ما هستند و رسالات و کتابهای بی‌شماری نوشته‌اند که از نظر مطلعین فن پوشیده نیست.

ما برای گذشته‌های خود احترام فراوانی قائلیم، زیرا مایه فخر و مباهات ما و پر از درسهای آموزنده‌ای است که از آنها برای همگامی با کاروان به‌سرعت پیشرفته و پیشرو حال و آینده استفاده می‌کنیم. ما نمی‌توانیم و نباید به فرهنگ قدیم خود بی‌اعتنا باشیم، از آن رو که آن فرهنگ پایه و مایه فرهنگ امروزی جهان و خود ماست.

از هزاران سال پیش اقوام و قبایل بسیار یکی پس از دیگری از قلب آسیا تا قلب اروپا و مرکز آفریقا آمدند و رفتند و در اعماق اعصار و قرون محو شدند. اینان رازهای سر به مهری از شکوه و جلال، شجاعت، ابداعات و ابتکارات را با خود به عدم بردند. از این کاروانان رفته فقط اندازه جاهشان پیداست و الا از هستی‌شان به روی زمین یک نشان هم نمانده است.

از بابل، نینوا، کلد، سارد، صور و صیدا، کارتاز، تب و ممفیس و امثال آنها همان قدر مانده که در تاریخها گفت و گو می‌شود و الا از آن همه کاخهای سر به فلک کشیده، باغهای هفت‌گانه معلقه، پرستشگاه خدایان، آرامگاه پادشاهان، خزاین

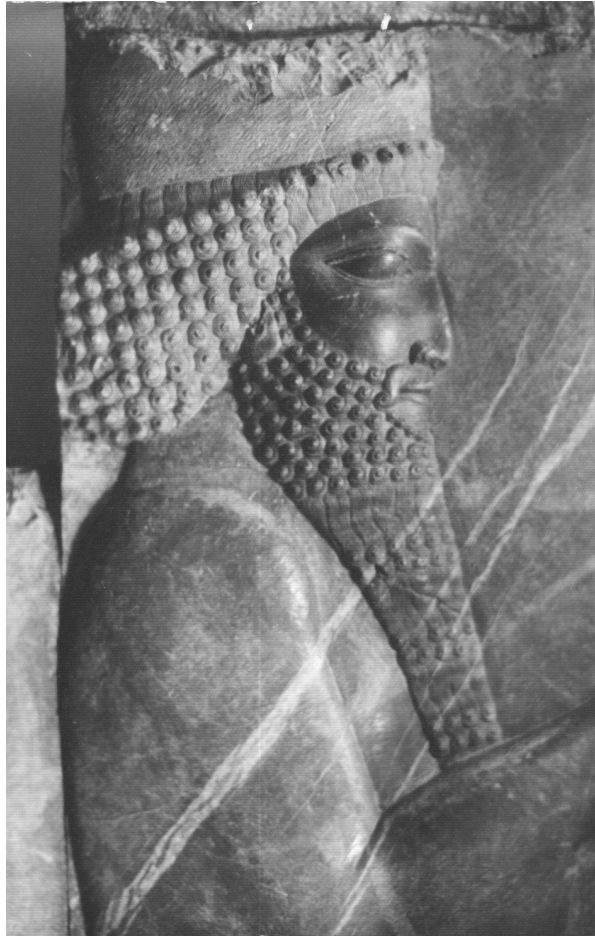
و گنجینه‌ها و دستگاہ پر جلال و جبروتشان هیچ بر جا نمانده و همه دستخوش انهدام و فنا و فراموشی شدند، ولی کشور عزیز ما از بین هزاران دگرگونی و انقلاب و فراز و نشیب خوشبختانه سربلند و پیروز به در آمده و با عنایات پروردگار بزرگ و همت مردمان فداکارش توانسته است موجودیت خود را حفظ کند. تاریخ و تمدن کهنسال این سرزمین امروزه زبانزد جهانیان است و به طوری که اشاره شد، شعبه مهمی از مباحث مجامع علمی و انستیتوهای بزرگ کشورها بحث و تحقیق درباره فرهنگ و دانش باستانی ماست و بخشی از موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ دنیا را امروز آثار هنری و کتبی ادوار کهن ایران تشکیل می‌دهد.

آندره مالرو دانشمند شهیر و معاصر فرانسوی ضمن مقاله‌ای که در نشریه نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در پاریس به سال ۱۹۶۱ م چاپ و منتشر کرد، قضاوتی عادلانه دارد که عیناً نقل می‌شود:

«روح ایران از هنر آن ژرف‌تر است. این هنر در همان حال مانند پرتوی از نور در گردش اعصار تغییر شکل می‌یابد، همچون رودی از صفا، نظم و آزادی که از آستانهٔ مغان و روحانیان کهن سرچشمه گرفته باشد، در دشتهای پهناور شایستگی و مردمی به سوی جهانی شگفت که در آن جز صفا و آرامش و آزادی هیچ چیز نیست جریان می‌یابد، ایران برای آنکه از فراز اعصار و مسافات جهانیان را از سرچشمهٔ زلال و جان‌پرور هنر خویش سیراب ساخته است، بدان‌سان که در جهان خارج بر بلندی نشسته است در عالم معنی نیز جایگاهی رفیع دارد»^۱.

نویسنده متذکر می‌شود که بحث دربارهٔ تمدن ایران کهن مخصوصاً در دوره هخامنشی و ساسانی بسیار وسیع و دامنه‌دار و نیازمند تحقیق و بررسی عمیق می‌باشد و با وجود آن همه اکتشافات باستان‌شناسان و هیئت‌های مختلف علمی و تحقیقات مجامع ایران‌شناسی جهان در دو قرن اخیر به نظر نویسنده هنوز جزئی از کل حق این هنر و فرهنگ پرمایه که بر ذمه ماست ادا نشده است. حتی متأسفانه در خود ایران نویسنده بی‌مقدار نیز که سی سال از عمر خود را بر سر این کار نهاده است و آنی از پژوهندگی و مطالعه در این راه غفلت نکرده با وجود بر این آنچه در این کتاب و مجلدات دیگر عرضه می‌دارد جز یک پیشگفتار و یک

سرآغاز و یک فهرست بیش نخواهد بود و به قول تائی تونگ (Tai Tung) نویسنده کتاب تاریخ خط چین در قرن سیزدهم: «اگر می خواستم آن اندازه منتظر بمانم تا کتابهایم کامل شود هرگز از نوشتن این کتاب فارغ نمی شدم».



نقش برجسته داریوش کبیر در تخت جمشید